

بناسبت هفقه کتاب

سیر کتاب در ایران



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

مؤسسه انتشارات امیرکبیر

نوشته :
ایرج افشار

۲۸
۴
۶
محد

بمناسبت هفته کتاب

۲۶ آبان - اول آذر ۱۳۴۴

سیر کتاب در ایران

نوشته

ایرج افشار

نشریه مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران - ۱۳۴۴

پنج هزار نسخه ازین دفتر در آبان ۱۳۴۴ در
چاپخانه بهمن چاپ و نشر شد

سر آغاز

این دفتر در موقعی نشر می‌شود که به ابتکار اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش مراسمی چند در مملکت برای معرفی کتابهای چاپ ایران و ترغیب جامعه به کتاب خواندن انجام می‌شود. لذا لازم می‌نمود به اختصار تارینچه‌ای از سیر کتاب در ایران بخصوص از زمانی که صنعت چاپ در کشور ما رواج یافته است به اطلاع علاقه‌مندان رسانیده شود.

چاپ کتاب در ایران درین سالهای اخیر دگرگونی محسوس و مطلوبی یافته است و مؤسسات نشر کتاب در چاپ کتب سلیقه و ذوق و دقت بیشتر به کار می‌بندند. امیدواریم که به همین اندازه در انتخاب کتاب خوب نیز بذل توجه کنند تا جامعه به کتابهای سودمند بیشتر و سهل‌تر دسترسی داشته باشد.

بعضی از مطالبی که درین جزوه آمده است پیش ازین طبق نظر جناب آقای علی اصغر حکمت برای کتاب سودمند و جامع ایران‌شهر (نشریه کمیسیون ملی یونسکو در ایران) نیز تهیه شده بود.

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۷	کاغذ
۹	کتاب در دوران پیش از اسلام
۱۱	کتاب در دوران اسلامی
۱۲	خروج نسخه‌های خطی
۱۴	کتابت و تجلید
۱۸	قدیمترین نسخه خطی فارسی
۲۰	چاپ کتابهای فارسی در جهان
۲۳	چاپ کتاب در ایران
۳۱	تصویر و تزیین
۳۳	دوران کنونی
۶۸	فهرست تصاویر

مقدمه

بشر در روزگاران گذشته و در سرزمینهای جهان بر روی انواع چیزها مانند سنگ، چوب، گل پخته یا خام، فلزات، برگ درختان، پارچه، پوست و مومینه کتابت می کرده است. کهن ترین آثار مکتوب از این نوع را باید لوحه های گلی دانست که از حفاریات آشور به دست آمده است. در ایران هم لوحه های گلی بسیاری در تخت جمشید کشف شد که شرح آنها به تفصیل در «گزارشهای باستانشناسی» آمده است.^۱

ابوریحان در «تحقیق مال الهند» می نویسد اقوام هندی جنوبی از برگ درختی که برگش پهن و ضخیم است در نوشتن استفاده می کنند و نخی را از ته آن برگها می گذرانند. هنوز هندوان بخصوص تاملیل زبانان در نوشتن کتب دینی خود این برگها را به کار می برند.

نامه ای که پادشاه هند به انوشیروان بر پوست درخت نوشته بوده است و مسعودی در «مروج الذهب و معادن الجواهر» به آن اشاره می کند ظاهراً بر روی همین برگها مکتوب شده بوده.

۱- «ترجمه الواح گلی تخت جمشید» تألیف و ترجمه محمدتقی مصطفوی،

مندرج در گزارشهای باستانشناسی، ۱ (۱۳۲۹): ۷۵-۱.

در باب ایران پیش از اسلام در روایات و اخبار نوشته شده است که نسکهای اوستا را بر روی دوازده هزار پوست گاو نوشته بوده اند . از این اشاره استنتاج می شود که در ایران کتب را بر روی پوست می نوشته اند . هنوز اطلاعاتی به دست نیامده است که در سرزمین ایران پاپیروس مورد استفاده بوده است یا نه ؟ .

جهشیاری در کتاب الوزراء والکتاب نوشته است که ایرانیها آثار خود را بر پوست کلفت یا نازک می نوشتند و می گفتند که ما جز بر آنچه در مملکت خودمان به دست می آید بر چیزی دیگر کتابت نمی کنیم . پس از اینکه کاغذ به وجود آمد بشر آسان ترین و بهترین وسیله ثبت اندیشه های خویش را به دست آورد .

کاغذ

سابقه کاغذ در مشرق زمین درازست . چینیان نخستین سازندگان کاغذند . ازین سرزمین است که کاغذ به فرنک رفته است . اما در میان اقوام مصری پایپروس رواج کامل داشت و کم کم دامنه استعمال آن به ملل دیگر نیز کشیده شد .

کاغذ از راه ایران به سوی مغرب رفت و مسلمانان سوداگران کاغذهای ساخت چین بودند . ظاهراً پس از اینکه مسلمین سمرقند را در سال ۸۷ هجری فتح کردند با صنعت کاغذ سازی در آن شهر آشنا شدند و از آنجا کاغذ را با خود به سوی مغرب آوردند .

کاغذ سمرقندی قرون متعددی معروف و در میان انواع کاغذها ممتاز بوده است . در کتب اسلامی در باب کاغذ و اصطلاحات مربوط به آن اشارات متعدد موجودست^۱ .

در فهرست ابن الندیم از کاغذهای خراسانی وجعفری وفرعونی نام

۱- برای تفصیل بمقاله «ساخت کاغذ در دوره تمدن اسلامی» بقلم کورکیس عواد، ترجمه عباس اقبال، یادگار ج ۴ ش ۱۹۹ : ۹۵ - ۱۲۸ و نیز بمقدمه محمد تقی دانش پژوه بر جلد سوم از فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه، تهران، ۱۳۳۴ م سه - پانزده رجوع شود .

می‌رود.

در قابوسنامه از کاغذ منصوری ذکر می‌شود که سمعانی نیز از آن یاد می‌کند.^۱

قلشقندی در «صبح الاعشی» از اقسام قطعه‌های کاغذ و انواع کتاب که در قدیم مرسوم بوده است ذکر کرده است.

عبدالواسع جبلی از نوعی کاغذ بنام «کاغذ سعدی» اسم برده است.^۲ از کاغذهای معروف که آنهارا در کتابهای اسلامی ساخت ایران و روم و هند به کار می‌برده‌اند این انواع شهرت خاص دارد: خان بالغ، سمرقندی، خطائی، بخارائی، اصفهانی، بغدادی، دولت آبادی، کشمیری، نرمة.^۳

۱- قابوسنامه، چاپ سعید نفیسی، تهران ۱۳۱۲، ص ۱۵۳.

۲- دیوان عبدالواسع جبلی، طبع دکتر صفا، تهران، ۱۳۴۱، ص ۷۵۶.

۳- در باب تاریخ کاغذ اسلامی و انواع آن نیز نگاه کنید به

A. Grohmann. Einführung und Chrestomthie zur Arabischen Papyruskunde. Monografie Archivu Orientalni, Praha 1955.

مخصوصاً به فصل چهارم آن که مخصوص «کاغذ» است.

کتاب در دوران پیش از اسلام

تردیدی نیست که در ایران پیش از اسلام بجز کتب مذهبی کتابهای دیگر هم وجود داشته است. مخصوصاً از عهد ساسانی کتابهایی به زبان پهلوی می شناسیم که بعداً به عربی نقل شده است. نیز از نهضت ترجمه کتب هندی و سریانی و یونانی به پهلوی اطلاع داریم و نام عده ای از این قبیل کتب در دست است، مانند خدای نامه، کلیله و دمنه، هزار افسانه، سندبادنامه، ویس و رامین، آئین نامه، تاج نامه و جز اینها. ابن الندیم از کتبی نام می برد که بر روی پوست درخت نوشته بوده اند و در شهر جی (اصفهان) در قرن چهارم هجری بدست آمده. کتابهای مذکور را به عهد طهمورث منسوب می کند (!). طبعاً این انتساب اشاره ای به قدمت کتابها تواند بود. همین مؤلف می گوید که ابو الفضل بن العمید (قرن چهارم) در باروی اصفهان کتابهایی به دست آورد که به زبان یونانی و در صندوق بود و آنها را به بغداد حمل کرد. ابن الندیم از دو کتابخانه عهد ساسانی نام می برد. یکی کتبی که اردشیر و پسرش شاپور جمع آوری کردند. دیگر کتابخانه ای که در عهد انوشیروان در گندی شاپور برای دارالعلم آن شهر فراهم شد. در باب گندی شاپور می دانیم که این شهر از شهرهای علمی واز

مراکز نشر طریقهٔ نسطوری در عصر ساسانی بوده است. درین شهر انوشیروان بیمارستانی بزرگ و مدرسهٔ طب بنا کرد و دانشمندان ملل مختلف را به آنجا آورد. طبیعی است که در چنین مرکز علمی که دانشمندان یونانی و هندی و سریانی بوده‌اند کتب زبانهای مختلف نیز وجود داشته‌است. بخصوص نوشته‌اند که انوشیروان دستور داد تا عده‌ای از کتب سانسکریت و یونانی را به زبان فارسی نقل کردند.

متأسفانه در باب کتب پیش از اسلام اطلاع کافی و دقیق نداریم و هیچ نسخهٔ خطی از آن عهد در دست نیست تا بتوان از نوع پوست و طرز نوشتن و مرکب آن بحثی کرد. در باب اوستا که کتاب دینی، برای اکثریت ایرانیان، بود در کتب پهلوی (مثل دینکرد) نوشته‌اند که اوستای هخامنشی را اسکندر بسوزاند و بعداً اردشیر ساسانی به جمع آوری پاره‌های آن کتاب دستور داد^۱.

باحملهٔ عرب تمدن ایران دگرگونی یافت. روایت کرده‌اند که اعراب به امر عمر کتابخانه‌های ایران را سوزاندند! اگرچه در باب صحت این خبر دلائل قاطع در دست نداریم ولی عده‌ای از محققان اخیر ایرانی بدین مطلب مکرراً پرداخته و آن را عقلاً قبول کرده‌اند.

۱- کاتها (مقدمه) پورداود، بمبئی ۱۳۰۵ شمسی.

کتاب در دوران اسلامی

و راقی و صحافی در دوره اسلامی از پیشه‌های ارجمند بود . در بسیاری از شهرها این حرفه چندان رواج داشت که بازاری مخصوص به آنها موسوم به بازار وراقان و صحافان وجود داشته است . بسیاری از وراقان و صحافان خود دانشمند و مؤلف کتب (مانند ابن‌الدیم) بوده و از خط خوش و ذوق تذهیب و صورت‌گری برخوردار داشته‌اند . دوره پیشرفت کتاب‌نویسی و تهیه کتابهای نفیس طبعاً با ایام آرامی ممالك و دوران سلطنت پادشاهان ادب دوست و هنرپرور بستگی داشته است .

بطور خلاصه تا آنجا که می‌دانیم تهیه کتاب و ایجاد کتابخانه پس از حمله مغول در عهد حکومت وزرائی مانند خواجه شمس‌الدین صاحب‌دیوان جوینی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله و خواجه نصیرمورد توجه قرار گرفت و در عهد تیموریان دامنه‌اش وسیع‌تر شد و در هرات این هنر به مدارج عالی خود رسید . از عهد صفوی نیز آثار برجسته به‌جای مانده است و بطور کلی در هر يك از این عهود مکتب خاصی در تذهیب و نقاشی و تجلید و کتاب‌نویسی به وجود آمد که بحث تفصیلی آن درین مختصر نمی‌گنجد .

خروج نسخه‌های خطی

کتاب خطی ایران چندین بار دچار صدمه تاراج و نابودی شده است، بخصوص در هجوم غزان و در حمله چنگیز قسمتی عظیم از آنها از میان رفت. تا اینکه در عهد ایلخانان مجدداً کتابها در کتابخانه‌ها و مدارس و مراکز علمی (نظیر رصدخانه مراغه و ربع رشیدی) گردآوری شد.

مرسوم چنان بوده است که در غارتها و تصرفها آثار مالکیت و وقفیت کتاب را حک و محو می کرده‌اند. کما اینکه راوندی در «راحة الصدور» در بیان غارت پارس توسط امرای طغرل سلجوقی نوشته است: «همچنین دیدم که مصاحف و کتب وقفی که از مدارس و دارالکتابها غارت کرده بودند در همدان به نقاشان می فرستادند و ذکر وقف محو می کردند و نام والقباب آن ظالمان به آن نقش می زدند و به یکدیگر تحفه می ساختند»^۱ از اواخر قرن دهم آفت دیگری پدیدار گشت و آن توجه و شوقی بود که در دربار آل عثمان و سلاطین تیموری هند به جمع آوری کتب علی‌الخصوص آثار زبان فارسی پیدا شد و طبعاً کتابخانه‌های مهمی در شهرهای استانبول و آگره و دهلی و لاهور و حیدرآباد دکن به وجود آمد.

حتی عده‌ای کثیر از خوشنویسان و شاعران به هندوستان رفتند و چون در ایران به کتاب و ادب چنانکه باید توجه کافی مبذول نمیشد و عمده توجه به علوم دینی و کتب مذهبی معطوف بود طبعاً قسمت عظیمی از آثار قدیم علمی و ادبی از ایران خارج شد.

در قرن سیزدهم اروپائیان بخصوص روسها، انگلیسها، فرانسویها و آلمانها با بصیرت و شایستگی که داشتند در جمع‌آوری نسخ خطی ایران کوشیدند و کتابخانه‌های خود را از حیث مجموعه نسخه‌های خطی غنی ساختند. میتوان گفت بیش از نیمی از کتب خطی فارسی و عربی که اکنون در کتب‌خانه‌های ممالک اروپائی موجودست از ایران بدان خزانه‌ها رفته است.

کتابت و تجلید

در دورانی که کتب را به دست می نوشتند کتابت حرفه ای خاص و شریف بود. در بعضی از کتب خانه ها کاتبان مخصوص بدین کار مشغول بودند. کما اینکه رشیدالدین فضل الله در ربع رشیدی کاتبانی را به نوشتن نسخ مصنفات خود مأمور کرد و نسخه های آثار خود را به کتابخانه های دیگر می فرستاد.

میزان مزد کتابت بستگی به تعداد ابیات و نوع کتابت و خوشی و برجستگی و ریزی و درشتی خط داشته است.^۱

عبدالرزاق سمرقندی در «مطلع سعدین» ذیل حوادث سال ۸۳۰ حکایتی آورده است که درین زمینه حاوی مطلب قابل توجهی است، و آن این است:

«و این مولانا [معروف خطاط بغدادی] از سلطان احمد روگردان شده بود. به اصفهان پیش میرزا اسکندر بن میرزا عمر شیخ آمد و در کتابخانه او متعین شد. گویند در یک روز هزار و پانصد بیت نوشت، در وقتی که میرزا اسکندر هر روز پانصد بیت مقرر فرموده بود.

۱ - در باب کتابت در دو قرن اول اسلامی مطالبی که آقای جلال همایی در جلد دوم (ص ۵۳۵ - ۵۳۸) تاریخ ادبیات ایران (چاپ دوم) نوشته اند مفیدست.

دوروز هیچ ننوشت و در حکم میرزا اسکندر تخلف نمود . سبب نانوشتن پرسید . گفت می خواهم که در يك روز کتابت سه روزه بکنم ! میرزا اسکندر فرمود که سایه بانها و بارگاه برافراشتند و يك کس قلم می تراشید و مولانای نوشت . نماز دیگر هزار و پانصد بیت در غایت لطافت نوشت و میرزا اسکندر او را انعام فراوان نمود .^۱

در همین باب نقل اطلاعی که مربوط به سال ۱۱۲۱ قمری است خالی از فایده نخواهد بود و آن اینکه درین سال نسخه ای از کتاب «تفسیر ضافی» تألیف ملا محسن فیض بخت محمد ابراهیم بن محمد نوشته شده است که اکنون در کتابخانه مدرسه سپهسالار شماره ۸۳۳۴ مضبوط است . در پشت جلد داخلی آن مخارج تهیه آن را چنین ضبط کرده اند :

عدۀ بیت های این ربع ۱۵۰۰۰

عدۀ بیت های ربع دوم ۱۲۵۰۰

اجور کاتب يك تومان و ده شاهی

جلد سی شاهی

تذهیب [مقصود جدول بندی است] هفت هزار و هفتصد دینار

کاغذ ۱۷ ورق يك قران و هفت صد دینار

طلا ده شاهی

جمع بیست و يك قران و نهصد دینار

ایضاً در نسخه ای از شرح منهی النبی^۲ (متعلق به کتابخانه مرحوم

سید نصر الله تقوی) مورخ ۱۱۳۱ که ۳۳۴ ورق به خط نسخ و مجدول است

مخارج تهیه آن چنین ضبط شده است :

۱ - مطلع سعدین و مجمع بحرین ، تصحیح محمد شفیع ، جلد دوم جزء

اول ، چاپ دوم ، لاهور ۱۳۶۰ ، ص ۵۸۹ .

آنچه این نسخه به اتمام رسیده چهارده قران و دو عباسی

اجرت کتابت ۲۵ جزء فی دو عباسی يك تومان

کاغذ دو دستچه ۱۵ ورق يك قران و چهار عباسی

تذهیب دو قران

تنظیم کتاب از لحاظ کراسه بندی و جدول کشی و تشعیر سازی و

تذهیب و شمسه اندازی و دیگر تزئینات بحثی است مفصل که از

حوصله این مقال اجمالی بکلی خارج است .

پس از اینکه کتابی نوشته میشد آن را صحافی می کردند. صحافی

در دوره ها و در شهر های مختلف به شیوه های مختلف بوده است و امروزه از

روی شیوه هر يك میتوان تعیین کرد که آن جلد در کدام مملکت و شهر

ساخته شده است ^۱.

در ساختن جلد از چرم های مختلف بز و میش و گاو استفاده

می شد و برای انواع آن اسماء خاصی است مثل ساغری، ضربی، سوخت،

تیماج. در دوران قاجاری صنعت جلد سازی روغنی رواج گرفت و نمونه

های برجسته از این هنر بسیار گرانقدر به وجود آمد .

برای آنکه خوانندگان را از ملال مطالب جدی به در آورم

۱- نگاه کنید برای اجمال این مطلب به شاهکارهای هنر ایران، تألیف یوب،

ترجمه دکتر پرویز خانلری، تهران [۱۳۳۸] ص ۱۵۱ - ۱۵۶

و به کتاب

Den Arabiske Bog تألیف Johs. Pederson (Kobenhaven, 1946)

و نیز به کتاب

Der Islamische Bucheinband des Mittelalters تألیف Max Weisweiler

(Wiesbaden, 1962)

قطعه‌ای را که علی تاج حلوائی سروده است نقل می‌کنم تا ضمناً اصطلاحات این فن هم به‌دست افتاده باشد :

در می‌جلد‌گیری مراه‌نری است که کتابی به ده مدد سازم
کار یک‌روزه را به چستی است به نود روز یا به صد سازم
جز مقوا و جلد و شیرازه هر چه سازم به‌دست خود سازم
تا شود کار یک کتاب تمام همه اوراق آن نمد سازم
با همه زیرکی و استادی دیر سازم ، ولیک بید سازم

قدیمترین نسخہ خطی فارسی

قدیمترین نسخہ خطی کہ از آثار زبان فارسی موجودست کتاب الابنیۃ
عن حقایق الادویۃ ابو منصور ہروی بخط اسدی طوسی شاعر و مورخ
۴۴۷ ہجری است کہ اینک در کتابخانہ ملی وین محفوظ است .

بسم اللہ الرحمن الرحیم
پیش ازین کہ خدای تعالیٰ
ہم را یاد فرمادہ اند و توانا را کہ آفریدہ کار جهانست
و دادامدہ و اللہ کار و نعمانست و برآمدہ و جرج و زمانست
و دارندہ و جانور است و اورندہ و بہار و خزانست و موہر و
بر محمد مصطفیٰ کے خاتم عالم است و امیر و اصحاب او
و اولاد و کونہ کار او و درود بر محمد و علی و اولاد او
و ہمہ فرشتگان و ہمہ پاکان کے اختیار و اولیای خدا
چرود و بودہ و خدایا ما را سہیل دہ و پیرہان را
و موطن را و مظلومین کو تہ و بیگناہان کو سہ

آقای مجتبی مینوی به شصت ورق از تفسیری فارسی در یکی از کتابخانه‌های ترکیه برخورد کرده‌اند که بنا بر تخمین ایشان کتابت آن پیش از نسخه‌الابنیه است.

بعد از الابنیه نسخه‌هدایة المتعلمین تألیف ربیع اخوینی مورخ ۴۷۸ راباید نام برد^۱ و بعد از آن نسخه‌ترجمان البلاغه محمد بن عمر رادیانی مورخ ۵۰۷ که در ترکیه به دست آمد^۲.

۱- هدایة المتعلمین بقلم مجتبی مینوی، یغما، ۳: ۴۹۷-۵۱۰.

۲- چاپ احمد آتش، استانبول ۱۹۴۹.

چاپ کتابهای فارسی در جهان

دوره کتاب خطی با آمدن صنعت چاپ به ایران تقریباً به سر می‌رسد. اگرچه می‌دانیم که در عهد صفویه در جلفای اصفهان ماشین چاپ آورده شده بود و آرامنه کتب خود را با آن طبع می‌کرده‌اند اما صنعت چاپ برای کتب فارسی و عربی در ایران مربوط به دوران ولایت عهدی عباس میرزای نایب السلطنه است.

قدیمترین کتابی که به زبان فارسی در جهان بطبع رسیده است مطابق آنچه تا کنون بنظر نویسندگان رسیده دو کتاب است بنامهای «داستان مسیح» و «داستان سن پیدرو» که هر دو با ترجمه لاتین در سال ۱۶۳۹ (۱۰۹۴ هجری) یعنی یازده سال پس از وفات شاه عباس اول در شهر «لیدن» توسط مرد فاضلی بنام Ludovico de Dieu طبع شده و در انتهای این دفتر نمونه یک صفحه از آن چاپ گردیده است.^۱ (تصویر ۲) همین شخص در انتهای دستور زبانی که برای آموختن فارسی بزبان لاتین نوشته و بنام Rudimenta linguae Persicae (عنصرهای زبان فارسی) در همان سال ۱۶۳۹ و در همان شهر طبع کرد صفحاتی چند از

۲ - برای تفصیل به مقاله نویسنده این سطور در «یغما» مراجعه شود (۱۱).

ترجمه فارسی انجیل را بچاپ رسانیده است .

نا گفته نماند که در سال ۹۵۳ نسخه‌ای از تورات فارسی بخط عبری با سه زبان دیگر در استانبول چاپ شده است .^۱

کتابهای فارسی پیش از اینکه در ایران بطبع برسد در ممالک هندوستان و عثمانی و مصر و شهرهای اروپا بچاپ رسیده است . در هندوستان توسط مأمورین انگلیسی مقیم کلکته نخستین چاپخانه برای طبع کتب فارسی در ۱۲۲۵ دایر شد . از جمله در انتهای انوار سهیلی (چاپ بمبئی، ۱۲۴۳/۱۸۲۸) که نمونه‌ای از آن درین دفتر چاپ شده است (تصویر ۴) این عبارات مندرج است که حکایت از تاریخ چاپ سنگی کتب فارسی دارد .

«... جناب الفتن بهادر فرمانفرمای سابق دارالاماره بمبئی

..... از آن جمله انطباع کتب به تحریر قلم که از تتبعات جدید و مبدعات مستحدثه و زاده ذهن و قاد و طبع صافی نهاد دانشوران با دانش و فرهنگ ممالک وسیع المسالك فرنگ است اگر چه پیش ازین گاهی به قدرت بعضی از نسخ موزنه و کتب مختصره به خط مایقرء صورت انطباع و ارتسام می یافت اما از مدونات مبسوطه به خط نستعلیق صرف که اسطقس مفردات و مرکبات آن چندان دور از کار و خارج از دایره پرگار شیوه و سیاق استادان صاحب فن عالی مقدار نباشد تا این زمان در حین انطباع و ارتسام نیامده بود، جناب سابق الالقاب همت بلند نهمت به اتمام کتاب انوار سهیلی ... منظور داشته ... است کتاب کتاب مزبور را به عهده حقیر ... میرزا حسن شیرازی اشارت و ... در مطبع بمبئی ... تاریخ ...

دوم شهر رجب الاصب سنه ۱۲۴۳ سمت اتمام ... پذیرفت ...

پوشیده نماند که مدادی که بجهت استکتاب این گونه طبع

اختصاص یافته غیر مداد معموله مصطلحه و اجزای آن مرکب از رنگ والوان که در نقاشی به کار می‌رود می‌باشد. لهذا تحریر و کتابت آن بر فرض و تقدیر تساط و استعداد به آن ملایمت و سیاقی که بسا مرکب معمول معهود در سلك ترفیم و تسطیر منتظم می‌گردد و آن شیوه و اسلوبی که در خط مدار علیه جمهور صاحبان این فن و در نظر صاحب نظران ستوده و مستحسن است در کمال صعوبت و اشکال بلکه قریب به محال است و کاغذی هم که بجهت نوشتن معین شده که حروف و کلمات عکساً بطریق جذب از آن منتقل و منتقش در سنگ می‌گردد بسبب اجزائی که در آن به حکم ضرورت مستعمل است خش و ناهموار و توسن خامه در میدان صفحه آن سر کشیده و عاجز از رفتار ... »

از قدیمترین کتابهای فارسی چاپ عثمانی فرهنگ شعوری است که در سال ۱۲۵۵ هجری چاپ کرده‌اند.

در مصر (مطبعة بولاق) هم کتب فارسی چاپ می‌کرده‌اند و اولین کتاب بنام « مفاتیح الدریة فی اثبات القوانین الدریة » در ۱۲۴۲ از چاپ خارج شده است. دیگر از کتابهایی که آنجا چاپ شده یکی گلستان سعدی و دیگر پندنامه عطارست (هر دو ۱۲۴۴) که عکس يك صفحه از پند نامه درین دفتر آمده است. (ص ۹)

در شهرهای اروپائی پترزبورغ، وینه، لندن، رم و پاریس، لیدن و بعضی بلاد دیگر نیز کتب فارسی به نفاست چاپ شده است.

چاپ کتاب در ایران

گفتیم که سابقه چاپخانه در ایران مربوط به دوره صفویه است. در آن عهد چاپخانه‌ای توسط کشیشان کرملی در آنجا دایر شده و انجیل را طبع کرده‌اند که نسخه‌ای از آن در موزه کلیسای وانک موجود است. آقای دکتر لطف‌الله هنرفر سنگ قبر مردی ارمنی بنام کشیش آسادور متوفی در ۱۶۹۵ را که در آن عهد حرفه‌اش طباعت بوده است در اصفهان دیده‌اند.^۱

نخستین چاپخانه فارسی که در ایران دایر شد چاپخانه سربی بوده است^۲ که در حدود سال ۱۲۲۷ توسط میرزا زین‌العابدین به ایران آمد^۳ و رساله‌ای را بنام «فتح‌نامه» در باب جنگ‌های ایران و روسیه در آنجا طبع کرده‌اند. این چاپخانه در تبریز تا سال ۱۲۴۵ دایر بوده است. در همین چاپخانه کتاب «مآثر السلطانیه» و بعضی کتب دیگر از جمله «رساله آبله کوبی» بطبع رسید که عکس یک صفحه از آن در دفتر کنونی طبع شده است. (تصویر ۳)

۱- مجله وحید ج ۲ ش ۸ ص ۷۲

۲- در هندم ابتدا کتب فارسی را با حروف سربی چاپ می‌کرده‌اند و بعداً چاپ سنگی باب شده است.

۳- المآثر والآثار ص ۱۰۰

نخستین چاپخانه در طهران در ۱۲۳۹ دایر می‌شود که حروف سربی در آن بکار برده می‌شده است و کتاب محرق القلوب از آثار آن است. نخستین کتاب چاپ سنگی تهران تاریخ معجم است که در ۱۲۵۹ چاپ شده است.

پیش از اینکه اصطلاح مطبعه و چاپخانه رایج شود اصطلاحات باسمه و باسمه‌خانه و باسمه‌چی و کارخانه و دارالطباعة و دارالطبع و مطبع و مطبعه مصطلح بوده است.

در «گلشن عطار» تألیف عباس عطار دتخلص به شطری که در اصول سیاق و ترسل است و کتاب متداول تحصیلی در مکاتب قدیم بود (چاپ تبریز سال ۱۲۶۳) چاپ کننده اطلاعاتی درباره وضع چاپ در عهد محمد شاه به دست می‌دهد که عیناً نقل می‌شود.

«الحق این عمل طبع مطبوع طبایع است و بهترین مجموع صنایع، خصوص این کتاب را که آقا جبار به سرپنجه هنر از سنگ مرمر لعل گهر بیرون داده و عالیجاه خیرالحاج حاجی اسدالله مذهب در نقاشی و جداولش دقت کرده... الحمدلله در زمان... محمد شاه عمل طبع و تمثیل که در عهد تعویق و تأخیر بود در محروسه ایران شایع و ظاهر گردید خاصه دارالسلطنه تبریز جنت نشان که به حسن عظوفت و یمن تربیت سرکار سپهر منزلت... شاهزاده بهمن میرزا... این صنعت بدیع طبع مطبوع جمیع طبایع گردیده است به اهتمام کمترین بندگان جبارین حاجی غفار تبریزی مطبوع شد.»

صنعت چاپ در عهد ناصرالدین شاه رواج بیشتر یافت و کتب متعدد در آن عهد به طبع رسید. اعتمادالسلطنه که خود درین کار کوشش

بسیار کرد در کتاب «المآثر والآثار» شمه‌ای درباره «اتساع دائرة انطباع» و «ایجاد روزنامه» و «ترقی اداره گازت در ایران» و «ایجاد جریده مصور» و «ایجاد سالنامه و تخصیص طبع تقویم» بیان می‌دارد.^۱

صنعت طبع کتاب در میان ملل شرقی (هند و ترکستان و عثمانی و مصر و ایران) تا سالهای دراز تحت تأثیر هنر کتاب سازی مرسوم و سنتی شرق بود. یعنی شیوه جدول بندی و سرلوحه سازی و تزئینات و صفحه شماری از نسخ خطی به کتب چاپی منتقل شد و حتی نخستین صفحه کتاب از صفحه دوم (یعنی پشت ورق) آغاز می‌شد و این ترتیب و روش نزدیک صدسال یعنی تا سالهای ۱۳۳۰ قمری برجا بود. اما آرام آرام صفحه بندی و آرایش فرنگی جایگزین روش قدیم گردید.

طرفه اینجاست که بسیاری از کتابهای فارسی که در هند به طبع می‌رسید چون برای مردم ایرانی یا مصرف در ایران بود پشت آنها را با نام سلاطین ایران یعنی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه مزین می‌کرده‌اند. (تصویر ۱۴)

در طبع کتاب چندتن همکاری و دخالت داشته‌اند. یکی بانی یا سرمایه گذار بوده است که معمولاً در کتب می‌نوشته‌اند حسب الامر فلان شخص بطبع اقدام شد. دیگر مباشر طبع که از عمل او با عبارت سعی و اهتمام یاد می‌کردند. دیگر خطاط که کتب چاپ سنگی را می‌نوشته است. دیگر عامل طبع یعنی صاحب مطبعه یا کارخانه که عمل بدی طبع را به انجام می‌رسانیده است. کتاب فروشان گاه خود بانی بودند و گاه نیز صاحب مطبعه. تاریخ طبع کتب غالباً در صفحه انتهای کتاب ذکر می‌شد. در

بسیاری از کتب چاپ هند مرسوم بوده است که تاریخ را به صورت منظوم می آورده اند و حتی اشعاری در وصف چاپ کننده می سروده اند. و این روش در کتب چاپ ایران هم کم و بیش دیده می شود. از جمله در تحفة الملوك کشفی که مصورست (تصویر ۱۰) (تبریز ۱۲۷۴) این قطعه آمده است که :

آقا علی که مخترع فن طبع بود
 نامد چو او به دهر هنرپیشه در وجود
 در مطبع از سواد و بیاض کتاب طبع
 بر رغم دهر رشك شب و روز می نمود
 آقا علی گذشت و نیامد کسش همال
 الا کهین برادرش آن آسمان جود
 آقا رضای نادره فن کز علو طبع
 چرخ برین به خاک درش روی عجز سود
 گوئی فرشته ای است نه انسان کز آب و خاک
 زینسان وجود پاک نیفتاده در وجود
 احسنت هم به پور گرامیش گوی کاو
 گوی هنر ز طایفه همکنان ربود
 نامش حسین و فعل حسن پس ز حسن طبع
 نیکو سزد بگویمش از آسمان ستود
 حالی به فن طبع چو او کی است استاد
 در زیر کارخانه این کنبد کبود
 دیدی چو طبع او بنکر طرح نقش وی
 کز مانی زمانه هزار آفرین شنود

بر صدق ادعای من «این تحفة الملوك»

کامد چو وحی منزل از عالم شهود
از طبع این کتاب مرا ثابت ادعاست
ای مدعی یمین و گواهم دگر چه سود
ز اوصاف نیک طبعی او تا به روز حشر
کلك من از هزار یکی کی توان سرود
دم در کشم ز گفته و گویم علی الدوام
منا علی الائمة و الانبیا درود
منت خدای را که زتر کیب چهار طبع
زینسان سه پاک اصل بر آورد در وجود
سال هزار و دوصد و هفتاد و چهار بد
کاقبال لب به مدحت این هر سه بر گشود

کتاب سنگی را در ایران معمولاً بیش از هفتصد هشتصد نسخه چاپ نمی کردند. چه سنگ چاپ بیش ازین قابلیت استساخ نداشته است. اگر چه اکمال الدین شیخ صدوق (تهران، ۱۳۰۱) را در یک هزار و هشتاد جلد چاپ زده اند (بشرحی که در پشت آن ذکر شده است).

در کتاب زینة المجالس تألیف مجدی (مجدالدین محمد حسینی) که در سال ۱۳۰۵ قمری در طهران چاپ سنگی شده است چاپ کنندگان در پایان کتاب شرحی نوشته اند که نکته هایی مهم درباره تاریخ چاپ در ایران را دربر دارد. و آن بدین شرح است :

«چون کتاب زینة المجالس که از کتب معتبر تاریخ است در این زمان میمنت فرجام سعی و اهتمام رسانیده جناب آقا محمد اسمعیل

باسمه‌چی و منظور آنکه تمام ایران وقف‌قازیه که به‌شغل کتاب فروختن مشغول بودم این اقل‌السادات بانی کتاب تمام علما و اعیان و تجار و کسبه حتی اطفال معلم خانه که چرا کتب مثل سابق نیست بد خط، بد چاپ، بد کاغذ، جواب دادم به‌جهت ارزانی کتاب. فرمودند پاکیزه بزنند با کاغذ و خط خوب گران بفروشدند. این بود که مراجعت از قفقازیه کیفیت را به جناب آقا محمد اسماعیل گفتیم. جواب دادند که این کتاب زینت را من می‌زنم. چون خط خوب و کاغذ خوب دارد که تمام باسمه خانه‌های طهران و تبریز و بنسئی و اسلامبل حتی مصر کسی نزده باشد، مشروط باینکه اجرت زیاد و خلعت‌های فاخر و شیرینیه‌های رنگارنگ بدهی. قبول قول او نمودم و برادری دارد یوسف طلعت ماه جبین، آقا ابراهیم. دو طلب شد که من هم در قبول فرمایش برادر هستم. به آن هم وعده خلعت شد. والد مقدس آداب ایشان که نام کرامش کربلا محمد حسین است او استاد تمام باسمه خانه بود و پیره مرد قدیم، از این کیفیت مطلع شد. دعای خیر در حق ایشان فرمود و اقدام در کتب نمودند. الحق آنچه فرمودند صدمراتب بهتر شد و والد سفارش زیاد به شاگردهای باسمه خانه و والدان خود نموده مشغول به‌زدن شدند. امید که خلاق عالم والد ولدین شاگردان را محفوظ بدارد.

مطلب دیگر استدعا از جنابان مقدسان کتابفروشها و باسمه‌خانه‌ها به چاپ می‌برند کسی بی‌اذن صاحب کار کاغذ بروی او نگذارد. حرام است. علاوه کتب از احکام شریعت مطهره می‌باشد حرام او بد است. مطلب آنکه نصیحت است.

دیگر آنکه در اواخر این کتاب چون تاریخ است عدالت

اعلا حضرت شهر یاری ناصرالدین شاه روحنا و روح العالمین فداه تحریر می شود و مختصری از احوالات و سیاست خود اقل السادات او قدری از کیفیت خوانسار که چه قدر با امن بود و حال چه قدر آن شهریار عالی مقدار من فرموده و احوالات علما آن بلد و اسامی کتاب فروشهای خوانساری که در کجا منزل دارند که بر همه کس واضح و هویدا باشد و اسامی باسمه خانه ها در این صفحه ذکر نمودیم که هر کس طالب هر کدام باشد زود پیدا کند. امید که خلاق علم وجود مبارك اعلا حضرت شاهنشاه را حفظ بفرمایند.

اسامی باسمه چی طهران: کر بلا محمد حسین میدان کاهو فروشان که از قدیم است بولدان ایشان آقا محمد اسمعیل و آقا ابراهیم - جناب الله قلی خان قدیمی است در سر پلک کارخانه دارد - ولدان مرحوم آقا میر باقر، آقا سید حسین و اخوی او دروازه دولاب - آقا محمد تقی ولد حاجی عبدالمحمد تکیه زرگرا - آقا میرزا حبیب در باغ خان مروی - آقا مشهدی تقی دروازه دولاب - دارالطباعة که از خود دولت است.

اسامی تبریز: حاجی عباسعلی - حاجی احمد آقا - اسد آقا -

مشهدی مهدی - کر بلا عبدالحسین.

اجرت سنگ چهار هزار ده

اجرت کتابت يك تومان دوهزار بیت. بیت پنجاه حرف،^۱

خطی که در نوشتن کتب برای چاپ سنگی به کار میرفت بیشتر خط نسخ و نستعلیق و گاهی شکسته بود.

کاغذی که برای چاپ استفاده می شد غالباً کاغذ روسی و روزنامه

۱- زینة المجالس چاپ سنگی، طهران ۱۳۰۵ ق، ص ۴۴۸.

مانند بود و گاه هم کاغذهای فرنگی دیگر که از طریق خلیج فارس وارد میشد مورد استعمال واقع می شد. استفاده از کاغذ آبی رنگ در بعضی از کتابها که می خواستند صورت تزئینی داشته باشد مورد پیدامی کرد، نظیر منتجب دیوان کبیر شمس که بنام شمس الحقائق (طهران ۱۲۸۰) طبع شده است.

نیز مرسوم بود که در طبع بعضی از کتب کاغذهای رنگارنگ به کاری بردند. یعنی هر چند صفحه را به يك رنگ بخصوص چاپ می کردند. نظیر دیوان انوری که در سال ۱۲۶۴ در دارالطباعة دارالسلطنة تبریز طبع شده است و ده رنگ کاغذ در آن استعمال شده است.

وقف کردن کتابهای چاپی نیز مرسوم بوده است و اشخاص خیریه که بانی انتشار می شدند آن را وقف عام می ساختند تا نسخ آن کتاب تماماً به اهل استحقاق مجاناً داده شود.

نظیر آنکه کتاب اکمال الدین صدوق (طبع ۱۳۰۱ طهران) بهمین نحو چاپ و توزیع شده است و در پشت آن نوشته اند «بمباشرت عالی قدر محمد حسین کاشانی يك هزار و هشتاد جلد از کتاب مزبور را با کمال زحمت در صدد تصحیح و طبع آن برآمده و وقف عالم نمود.»^۱

۱ - برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به مقالانی که در خصوص چاپخانه و مطبوعات در مجلات فارسی نوشته شده و فهرست آنها در «فهرست مقالات فارسی» آمده است. از مراجع مهم، تحقیقات محمدعلی تربیت (در مجله ارمغان) است که ابتدا ترجمه انگلیسی آن توسط ادوارد براون در کتاب «شعر و مطبوعات ایران جدید» (لندن، ۱۹۱۴) نشر شد، و نیز مقاله جناب آقای سید حسن تقی زاده (در کاوه دوره دوم).

تصویر و تزئین

اشاره شد که در آغاز پیدا شدن صنعت چاپ در ایران کتابها را بهمان سیاقی که در نسخ خطی مرسوم بود تزئین و مصور می ساختند. از جمله آنکه در صفحه اول (بجای صفحه عنوان امروز) ترنج یا شمشه ای می انداختند یا تمام صفحه را با نقوشی که در تذهیبها به کار می رود مزین می کردند .

در صفحه دوم معمولاً سر لوحه ای قرار داشت و در سر لوحه ها بجز نقوش هندسی گاه شیر و خورشید و گاه دو ملائکه یا دوشیر که تاجی در میان دستهای خود دارند (نظیر گچ بریهای همان ایام در بالای سردر خانه ها ساخته می شد)

صفحات دیگر با جدول اطراف و کمند سازی پرداخته و آراسته می گردید و اطراف سر فصلها و عناوین هم با نقوش و رسمها تزئین می شد .

مجلس سازی و تصویر هم به همان سیاق نقاشیهای عصر قاجاری انجام می شد که ممزوجی از شیوه مینیاتور سازی و نقاشی اروپائی بود. مثلاً در خواص الحیوان (چاپ تهران، ۱۳۰۵) صورت گاو با عمارتی ساخته شده است که آن عمارت شبیه ساختمانهای فرنگی است . (تصویر ۲۲)

در بعضی از کتابها که ترجمه از زبان های فرنگی بود نیز تصاویر را فرنگی ساز از کار در می آوردند. نظیر تصاویر «کتاب نوئلی» که در بوشهر بسال ۱۳۲۴ طبع شده است و نقاشیهای آن کار حسینعلی نامی است و کاملاً فرنگی نماست.

شبیه سازی در کتب چاپ قدیم بسیار مرسوم بوده است، مانند شبیه هایی که از ناصرالدین شاه و امرا و شاهزادگان ساخته شده است و نمونه های خوبی از آنها در دست است، از جمله تصویر امیر نظام گروسی در کتاب یحیویه (طهران، ۱۳۱۵) (تصویر ۲۵) و جمیع تصاویر مندرج در روزنامه های وقایع اتفاقیه و شرف و شرافت یا تصاویری که از مؤلفین بعضی کتب پرداخته اند مانند تصویر شاهزاده جلال الدین میرزا مؤلف نامه خسروان (چاپ تهران، ۱۲۸۵) یا معصومعلی شاه مؤلف طرائق الحقائق (تهران، ۱۳۱۸) (تصویر ۲۶)

کشیدن تصاویر خیالی بمنظور آنکه کتاب مصور باشد و ذوق را بیشتر محرک گردد در کتابهایی نظیر شاهنامه و گلستان و الف لیله و کلیه و دمنه و لیلی و مجنون مکتبی (که نخستین بار درین اخیر چاپ ۱۲۵۹ تهران دیده می شود، (تصویر ۷))^۱ استعمال شده بسیار مرسوم بوده است. در کتابهایی هم که کمتر شهرت داشته این روش به کار می رفته است، کما اینکه در یخچالیه (تهران ۱۲۹۰) که تذکره شوخی آمیز و در حقیقت انتقادی است تصاویر کار مسعود غفاری دیده می شود که آنها را باید از اولین نمونه های کاریکاتور سازی و تصویر فکاهی شمرد (تصویر ۱۶). یا تصاویری که در دیوان میرزا اشتها (تهران ۱۳۰۶) به چاپ رسیده است و نمونه این دواثر درین دفتر برای ملاحظه و دقت خوانندگان چاپ شده است. (تصویر ۲۳)

دوران گنونی

اکنون در ایران چاپخانه های متعدد وجود دارد و صنعت طبع ایران از بسیاری جهات بر عده ای از ممالک آسیایی ترجیح دارد و مایه امید بسیارست که ازین هم پیشتر برود .

تعداد کتابهایی که اکنون برای نخستین بار در ایران طبع می شود بین هزار تا پنج هزارست و کتابهای پر خواننده از نوع آثار شاعرانی چون حافظ و خیام و باباطاهر و قصه هایی چون حسین کرد و امیر ارسلان و آثار مذهبی چون مفاتیح الجنان و صحیفه سجاده و زاد المعاد سالی چند بار و هر بار در پنج هزار تا ده هزار نسخه طبع می شود . درین سالهای اخیر چاپ کتاب جیبی در ایران باب شده است و از هر يك ده هزار و پانزده هزار نسخه بطبع میرسد .

تعداد کتابهای جدید ایران در هر سال بین هفتصد تا هزار است و اگر کتابهای تجدید طبعی و کتابهای مدرسه ای و نشریات دولتی را نیز بتوانیم جمع آوری و احصاء کنیم تردید نباید داشت که تعداد آنها به هزار و پانصد می رسد .

انجمن کتاب در سال ۱۳۳۹ جلسه ای از مجمع خود را به بحث درباره چگونگی نشر کتاب در ایران اختصاص داد تا در علل کمی انتشار

و تعداد نشر کتاب بحث شود.

درین باب آقای عبدالرحیم احمدی گزارشی تهیه کرده که در مجله راهنمای کتاب درج شده است^۱.

از فعالیت‌های مهمی که مربوط به عالم کتاب درین ایام اخیر در ایران دیده شده است موارد زیر قابل ذکر است:

۱- در انتقاد و معرفی کتب بجز آنکه بعضی از مجلات ادبی تهران مانند مجله سخن فصلی به نام «پشت شیشه کتابفروشی» و «کتابهای تازه» دارد تا کنون سه مجله مخصوص انتقاد و معرفی کتاب در ایران انتشار یافته است که مهمتر از همه بنام «راهنمای کتاب» از سال ۱۳۳۷ منظمأ انتشار یافته است و اکنون نیز سالی دوبار انتشار می‌یابد. دیگر «انتقاد کتاب» است که توسط کتابفروشی نیل نشر می‌شود. اخیراً هم نشریه روزنامه ماندی بنام «بررسی کتاب» توسط مؤسسه مروارید نشر می‌شود. آنکه تعطیل شده «کتابهای ماه»^۲ نشریه انجمن ناشران کتاب است.

۲- «انتشار کتابهای ایران» نشریه سالیانه انجمن کتاب که از سال ۱۳۳۳ انتشار یافته است. در این کتاب فهرست کتابهای مهم و اساسی (بجز کتابهای درسی و کتابهای عادی تجدید چاپ و بعضی انتشارات دولتی) با روش جدید فهرست نویسی و بترتیب موضوعی با سه فهرست

۱- راهنمای کتاب (۴: ۵۷۷-۵۸۴)، نیز اینجانب در باره کتابهای سال

۱۳۳۳ مقاله‌ای مشروح در مجله سخن نوشت (۶: ۱۶۱-۱۶۶). نیز نگاه کنید به گفتار عبدالرحیم احمدی تحت عنوان نظری به آمار کتابهای چاپی در ایران، مجله سخن جلد ۹: ۱۶۸-۱۷۷

۲- دوره (۱۳۳۴-۱۳۳۹)

از اسماء مؤلفین و اسماء کتب و اسماء ناشرین توسط این سطور انتشار می یابد.

کتابخانه ملی هم از سال ۱۳۴۲ به انتشار فهرست سالیانه بنام «انتشارات ایران» مبادرت ورزیده است.

۳- در زمینه کتابشناسی کارهای مهمی که شده است عبارت است از:

الف- نشر «فهرست کتابهای چاپی فارسی» تألیف خان بابا مشار (دوجلد) توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب. این فهرست شامل اسماء کتبی است که بزبان فارسی انتشار یافته است.

ب- نشر «فهرست مؤلفین کتابهای چاپی عربی و فارسی» تألیف خان بابا مشار (۶ جلد).

ج- از کتاب الدرر الی تصانیف الشیعة تألیف شیخ آقابزرگ طهرانی و به همت فرزندش علی نقی منزوی تا کنون پانزده جلد نشر شده است و دنباله آن نیز بتدریج انتشار می یابد.

د- فهرست مقالات فارسی (جلد اول سال ۱۳۲۸ ق- ۱۳۳۸ ش) تألیف نویسنده این سطور محتوی بر فهرست مقالاتی که بزبان فارسی درمسائل مربوط به ایرانشناسی درمجله های ایران و خارج از ایران نشر شده است.

ه- فهرست مقالات جغرافیائی تألیف دکتر محمد حسن گنجی و جواد صفی نژاد صفائی که در سال ۱۳۴۱ توسط مجله دانشکده ادبیات نشر شده است.

و- فهرستنامه کتابشناسیهای ایران که توسط ایرج افشار تهیه

و بصورت يك شماره مستقل نشریه «ایرانشناسی» دانشکده ادبیات انتشار یافته است و حاوی نام و نشان ۲۸۳ فهرست مختلفی است که درباره ایران در دست است.

۴ - مؤسساتی که در باره بهبود وضع کتاب در ایران از جهات معنوی تأسیس شده عبارت است از:

الف - انجمن دوستداران کتاب که از سال ۱۳۳۳ تشکیل شد و هدفش چاپ کتابهای ظریف و ایجاد نمایشگاههای کتاب بود.

ب - انجمن کتاب که از سال ۱۳۳۶ در تهران تشکیل شد و تا کنون بجز نشر مجله راهنمای کتاب، يك کتابخانه عمومی و يك کتابخانه سیار ایجاد کرده است و همه ساله نمایشگاهی از کتابهای تازه برقرار میکند و فهرست سالانه کتابهای چاپ ایران موسوم به «کتابهای ایران» را انتشار میدهد.

ج - گروه ملی کتابشناسی ایران تشکیل شده و یونسکو بطور رسمی آنرا شناخته است و تا کنون سه کتاب از سلسله انتشارات آن نشر شده است.^۱

از ناشران مهمی که درین سالهای اخیر در چاپ کتاب همت بسیار به کار برده و در پیش بردن نشر کتاب مؤثر بوده اند بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مؤسسه انتشارات فرانکلین، دانشگاه تهران، سازمان

۱ - کتابشناسی فهرستهای نسخه های خطی فارسی در کتابخانه های دنیا

تألیف ایرج افشار نشریه دانشگاه تهران، تهران ۲۳۳.

- فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده حقوق تألیف محمدتقی دانش

پژوه، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۳۹.

- فهرست مقالات فارسی تألیف ایرج افشار دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۰.

کتابهای جیبی ، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ابن سینا ، اقبال ، صفی
علیشاه ، شرکت انتشار، زوار، مروارید، طهوری ، نیل، کانون معرفت،
دهخدا، فروغی (در تهران) ، حقیقت، سروش، تهران (در تبریز)، موثقی ،
شهریار، تأیید (در اصفهان) ، باستان ، زوار (مشهد) را باید نام برد.
از چاپخانه‌هایی که موجد تحول وضع چاپ بوده‌اند : نام چاپخانه
های افست ، بانك ملی، دولتی ایران ، بهمن ، تابان، مقدم بر دیگران
قابل ذکر است .

مکر اینک او گفت که ملک یهودان هشتم فیلانس نخواست
که تغیر دهد و جواب داد هر چه دوشتم دوشتم. انگاه صلیب
را بالا برداشتند از دست رها کردند که بجای خود محکم
نشدند صلیب تمام جنبید و درین جنبیدن در نهایی سخت
کشید و زخمها کلانتر شد و دو دزد دیگر با و مصلوب کردند
یکی در چپ و دیگری در راست او درین نوشته ایشعبا کمال
گرفت که گفت با بدکاران شمرده شد درین هنگام که بر دار
بوده هفت کلاه فرمود نخستین اینست ای پدر بیامر ایشانرا
برایا که عهد اند آنچه می کنند درین بگردار و افود آنچه بیش
ازین بگفتار می آموخت که دشمنانرا دوست داریم و بد کنندگان
خود را بیک کنیم ، او در صلیب بود مردم طعنهای می کردند
و سرهای خود می جنبانیدند و می گفتند که توهینکل خدا را باز
می شکافی و آلتا در سه روز از سر دو عمارت میگردی خود را
سلامی ده اگر پدر خدایی از صلیب فرود آیی بزرگان کاهنان
و دانایان سخره میگردند و می گفتند دیگرانرا سلامی داد و خود را
خلاص کردن نمیتواند اگر پادشاه امیر ایمل است اکنون از
بالای صلیب بشبیه آید و ما درو ایمان آرم اعتقاد بر خدا دارد
اگر خدا میخواهد او را خلاص کند چرا که خود گفت که
پدر سی من پسر خدا هشتم ، از آن دو دزد که با او
مصلوب بودند یکی رستین نام پدر حضرت ایشوع سخره
میگرد و میگفت اگر تویی مهتج خود را و ما را خلاصی ده اما
دزد دیگر و پسمس نام که در جانب راست بود در برداشت
مسیح و در دعا کردن او برای دشمنان و خاموشی او تأمل کرد

و حقیقت

چون رفت و نرحم ضمیر منبر نواب کا امباب سپهر رکاب و مالک
 رقاب و کردون قباب * حضرت نایب السلطنة العلیة العالیہ *
 روحنا و روح العالمین فداء * شامل حال کافہ رعایا و عجزہ و
 ماسکین است و نفع این رسالہ * نعلم نامہ کہ در میل ابلہ زدن
 نالیف شدہ بر کافہ ناس مرتب و باعث صحت و تندرستی کل
 بنی نوع بشر خواہد شد لهذا حسب الامر نواب اشرف و الاروخا
 فداء کمترین بندہ دہا کو ناظم امور بیامہ خانہ دار السلطنہ
 تبریز علی بن الحاج محمد حسین المرحوم التبریزی الشہر بامین الشرع
 بیامہ کردن رسالہ مزبورہ مامور و در خدمت کذاری سعی تمام
 وجد و جہد مالا کلام نمودہ و در تاریخ بیست و ہشتم شہر شعبان
 المعظم من سہ ہزار و دہشت و چہل و پنج ہجری الطباع *
 * و انتقاش نسخ رسالہ صورت اتمام پذیرفت *
 * و باللہ التوفیق *

در مطبع مبنی همانا الله تعالی عن الافات والکلمات وعمره بالبیانات الصالحات تاریخ میثم
 ما جنوری سال نخبه مال کله از جوش تصدیقیت جوش عیسوی مطابق دوم شهر ربیع الاصب^{۱۸۲۸}
 یک هزار و دویست و چهل و نه هجری شمسی تمام صفت اختتام بعون الملک العلام بدریغ بر حسب
 نظر انصاف پیشه و حق بیان درست اندیشه که های رای و قیسه شناس شان بذکر و کمال نصفت جن
 سریرت رسید و غواص ذهن و فادشان از بحرین صفای عقیدت و کارم خلاق که مر از صاف
 مردمی و لالی که انهای صفای نیت و صاحب دلی بدست آورد و پوشید و ماند که مداد یک بخت استکمال یک
 طبع اختصاص یافته غیر از معمول اصطلاح و حسب آری آن مرکب از رنگ و الوان که در نقاشی بکار میرود پیش
 لهذا از تحریر و کتابت آن برفض وقت و تسلط و استعداد بان ولایت و سیاقی که با مرکب معمول معمول
 سلاک بر قلم و مسطر خط نمیکرد و آن شیوه و اسلوبی که در خط مدار عیادیه و صاحبان این فن و در نظر صاحب
 نظران ستوده و مستحسن است در کمال صعوبت و اشکال بکلیت برپا است و کاغذی هم که بجهت نوشتن
 معین شده که حروف و کلمات علما بطریق خاص از آن منتقل و نقش در سنگ میکرد و بسبب بزرگی
 در آن بحکم ضرورت مستعمل است حسن و نامهربان و در قوس نامه و رسیدن صفحان سرشته و عاجز
 از رفتار و از اتفاقات غریبه اینک در اوقات طبع کتاب کاغذی که مناسب تدوین را داشتند یا نه نمیداد
 عدم الوجود بود و لاچار کاغذی که بی نهایت و دراز کار و بنایت غیر طایم و نامحضر می نمود اختیار و بکار داشت

بنا

بار جناح حاجی آفا سی که حکمش ز بود و نهستان کی بر به
 ثنای احمد دانش که آمد خلاق ز ابجسته حیر طاعه
 سودا منتشر اندرز مانه
 از و شد حکم در دوارا

خان فلک مرتبت مکان منعمه الدوله نه چو پسران
 حکم چنین کرد بهرام یک اندر انده از بنده گان
 ناکند این نشو منمن منطبع
 چون درق منطبع جان



صورت‌نقاشی خانست میرزا بابا

تصویر ۶

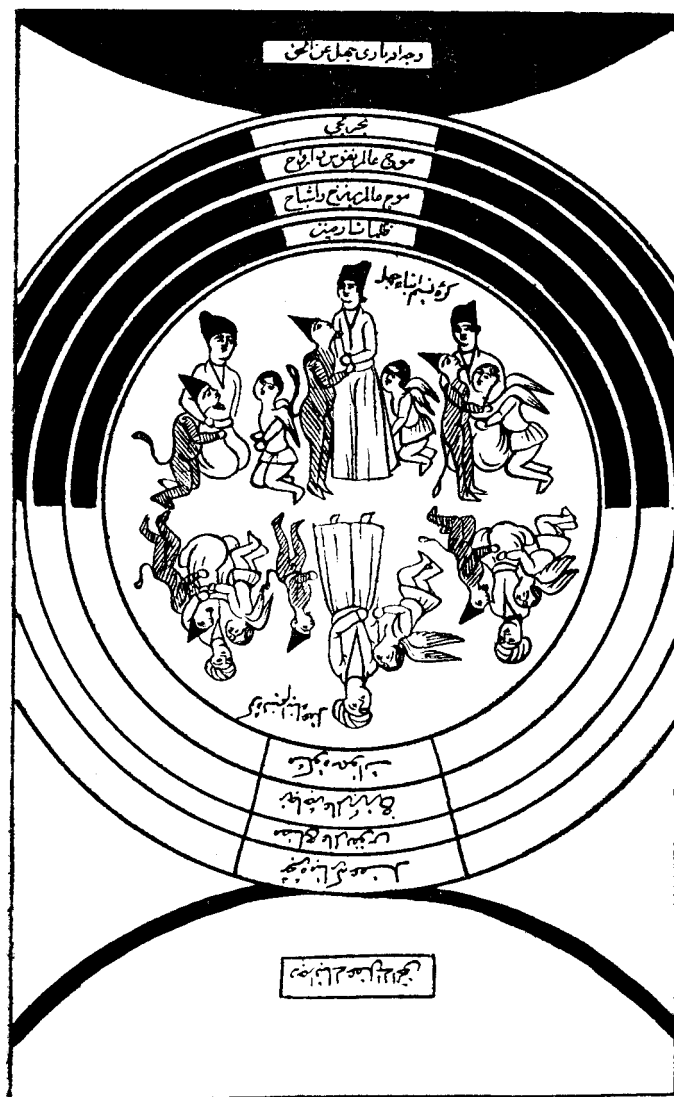


تصویر ۷



تصویر ۸

کر کند آینهک ظلی پادشاه	سود نکند مرد را خیل و سپاه
چونکه عادل باشد و فرخ لقا	باشد اندر مملکت شه را بتا
چون کند سلطان کرم بالشکری	بهر او بازند صد جان بر ساری
❦ در بیان اسلاق حمیده ❦	
چار چیز آمد بزرگی را در نیسل	هر که او دارد بود مرد اصیل
علم را اعزاز کردن بی حساب	خلق را دادن جواب باصواب
هر که دارد دانش و عقل و تیز	ایل علم و حقیق را دارد عزیز
ای برادر که فردا درسی تمام	نرم و شیرین گوی یا مردم کلام
هر که باشد ترش روی و تلخ گوی	دوستان از وی بگردانند روی
هر که از دشمن نباشد بر حذر	عاقبت پشند از درنج و ضرر
در جوار خود عدو را راه ده	از برای آنکه دشمن دور به
با حبیان باش و ائم هم نشین	تا توانی روی عدو را منبیین
در میان دوستان مسرور باش	که فردا درسی ز دشمن دور باش
ای پسر تدبیر راه تو شه کن	پس حدیث این آن یک کوه کن
❦ در بیان چار چیز با خطر ❦	
چار چیز است ای برادر با خطر	تا توانی باش ازینا بر حذر
قربت سلطان و الفت بایان	رغبت دنیا و محبت با زمان
قرب سلطان آتش سوزان بود	بایدان الفت پلاک جان بود
زهر دارد در دهن دنیا چار	کر پیچی ظاهرش تش و نجار



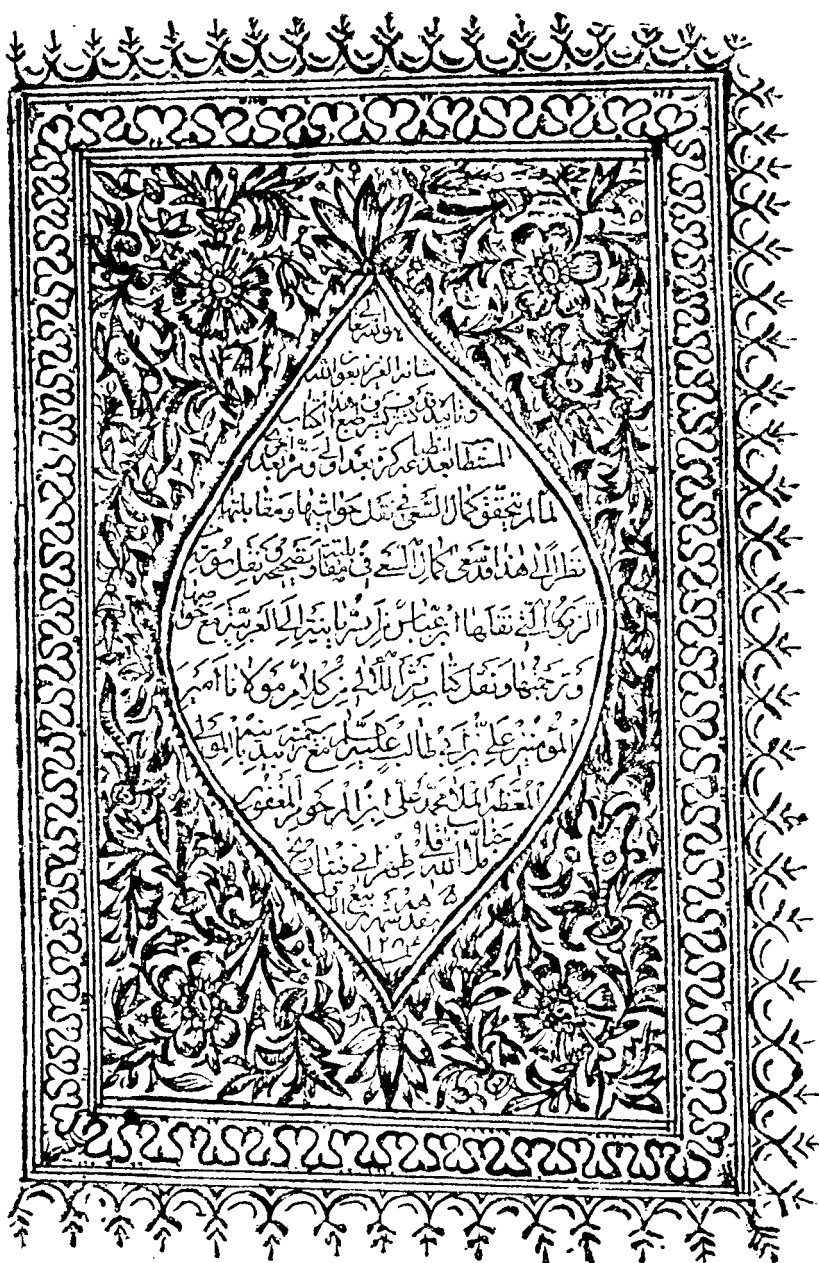


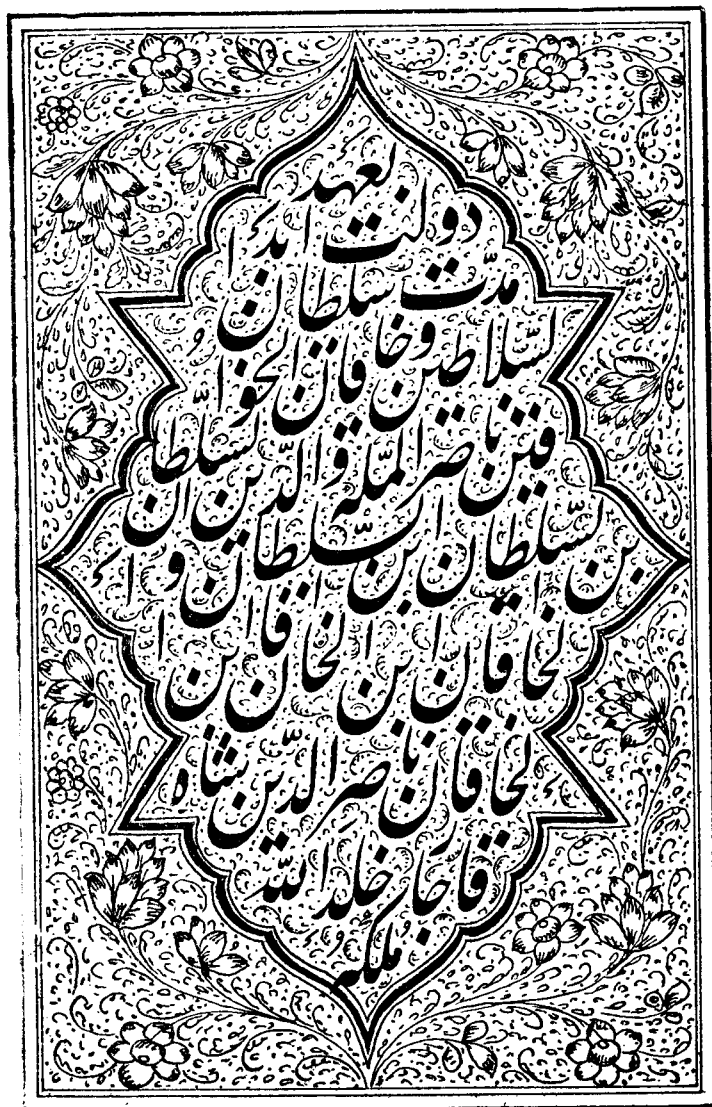
ای نام تو مطلع کلام همه کس * در نظم کلام تو نظام همه کس *
 بر صفحه هستی قلم تدبیرت * تحریر کند نشان و نام همه کس *
 حد یعد و ثنای بی عدد مالک الملک پادشاهی را که در دیوان توئی
 آنک من نشاء از روی فضل و کمال هر که را خواست بلیاس پر اساس
 انا جعلناک فی الارض خلیفة یاراست و در دار الملک فاکم بین الناس
 بالحق نام موفور الانبهاج عزنش را بزبور السلطان العادل ظل الله فی
 الارضین مزین ساخت و جهت سروری بشری سلطنت گستری چتر عظمی
 ولوی ایتنش را بعلم عنایت ائی جاعل فی الارض خلیفة در جهان بجهان داری



شام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین
 خداوند بحث‌نده و سنگیز کیم خطا بخش پوزش پذیر
 عزیزی که هرگز درش سر تنافت هر در که شد هیچ عزت نیافت
 ما را نشان گروه و دانا نسیار

نسخه در بعض نسخ





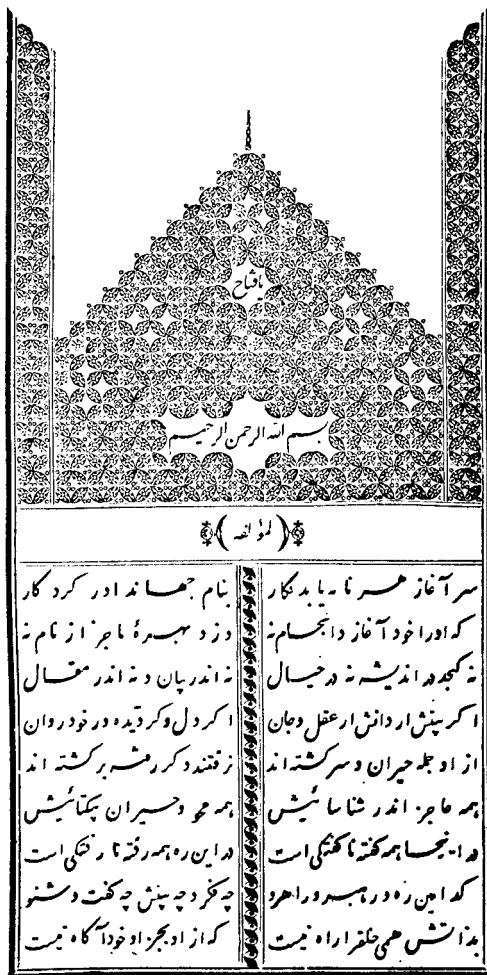


تصویر ۱۵



تصویر ۱۶





فرد







تصویر ۲۱



تصویر ۲۲



بس





حضرت آغا علی اکرم محمد بن علی عظیم میر نظام وزیر پیشوای کامل مملکت آذربایجان

تصویر ۲۵

جناب مولف طرائق تحقیقات فاضلہ



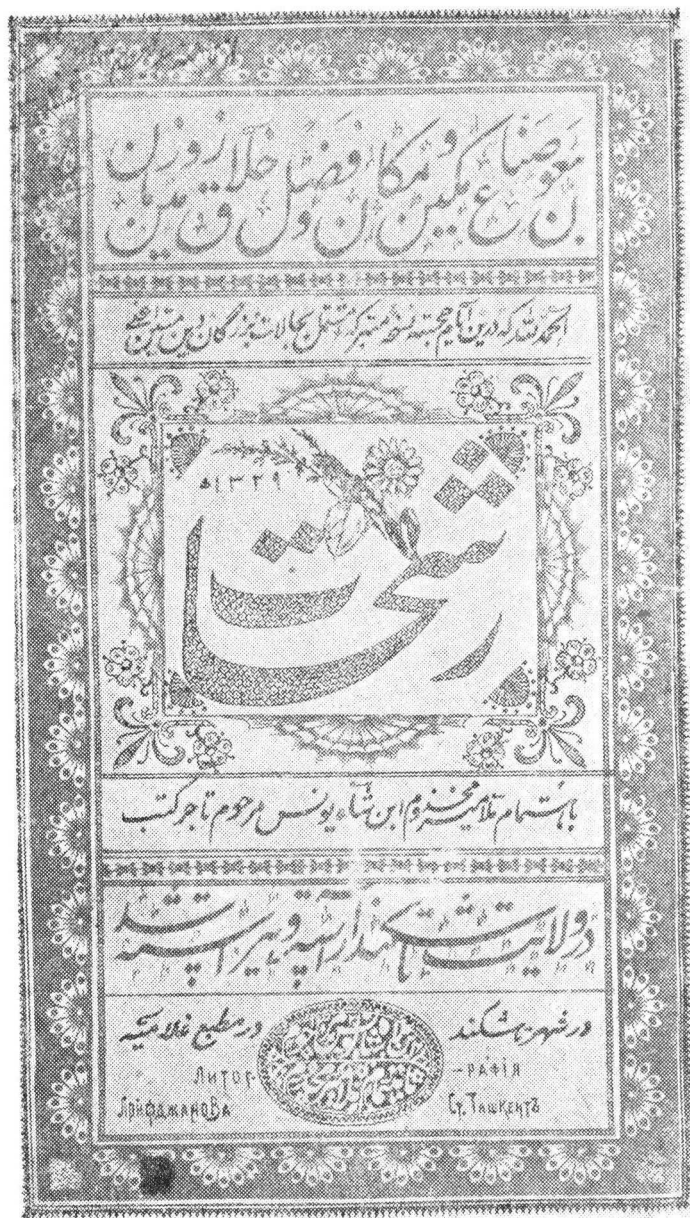
مورخان

تصویر ۲۶

السُّلْطَانُ مُظْفَرُ الدِّينِ شَيْخٌ قَاجَارٌ خَلَّدَ اللَّهُ مُلْكَهُ وَطَلَّاهُ









فهرست و شرح تصاویر ضمیمه

- این تصاویر برحسب تقدم تاریخی منظم و چاپ شده است .
- ۱- صفحه اول از کتاب الابنیه عن حقائق الادویه هروی بخط اسدی طوسی مورخ ۴۴۷ (ص ۱۸)
 - ۲- صفحه ای از کتاب داستان مسیح چاپ لیدن ۱۶۳۹ (ص ۲۰)
 - ۳- صفحه آخر رساله آبله کوبی چاپ تبریز ۱۲۴۵ در باسمه خانه دارالسلطنه تبریز (ص ۲۳)
 - ۴- صفحه ای از انوارسپیلی چاپ کلکته ۱۲۴۳ که اطلاعاتی هم از وضع و تاریخ طبع کتب فارسی را دربر دارد (ص ۲۱)
 - ۵- صفحه ای از دیوان نشاطی خان که توسط محمد لواسانی بفرمان منوچهرخان معتمدالدوله گرجی در زمان حاجی میرزا آفاسی در طهران قبل از سال ۱۲۶۴ طبع شده است . مشار سنه طبع تبریز آن را ۱۲۵۹ ذکر کرده است .
 - ۶- تصویر نشاطی خان که در اول دیوان طبع شده است
 - ۷- تصویری از لیلی و مجنون چاپ ۱۲۵۹ تهران (ص ۳۲)
 - ۸- تصویر ابراهیم که عامر بن ربیع را می کشد، مأخوذ از مختارنامه ، چاپ تهران ۱۲۶۱

۹- يك صفحه از پندنامه عطار چاپ مطبعة بولاق مصر در ۱۲۶۳ (ص ۲۲)

۱۰- تصوير نقشی از کتاب تحفة الملوك کشفی، چاپ ۱۲۷۴ (ص ۲۶)

۱۱- صفحه‌ای از تاریخ گیلان فومنی چاپ دارن مستشرق روسی در پترزبورگ در ۱۲۷۴

۱۲- صفحه اول بوستان سعدی چاپ گراف مستشرق اطریشی در وین در ۱۲۷۵ (۱۸۵۸)، این چاپ به حروف سربی و خط نستعلیق است
۱۳- صفحه آخر نثر اللئالی چاپ تهران در ۱۲۸۴

۱۴- صفحه آخر کتاب نصره الدین حاج محمد کریم خان کرمانی که در بمبئی در ۱۲۸۵ طبع شده و نام ناصرالدین شاه در آن آمده است (ص ۲۵)

۱۵- تصویر سردار یعقوب خان حاکم هرات مندرج در سفرنامه خراسان ناصرالدین چاپ سنگی ۱۲۸۶ تهران (که بنام روزنامه حکیم الممالک شهرت دارد)

۱۶- نمونه‌ای از نقاشیهای کتاب ینچالیه کار مسعود غفاری چاپ تهران در ۱۲۹۰ (ص ۳۲)

۱۷- صفحه اول کتاب اقامة الشهود... چاپ تهران در ۱۲۹۲ هجری که در آن عبارات عبرانی هست و در همین صفحه نام کتاب به عبری چاپ شده است

۱۸- صفحه اول سفارتنامه خوارزم لله باشی هدایت چاپ بولاق در ۱۲۹۳ که با مقدمه فرانسوی درپاریس نشر شده است

- ۱۹ - تصویر پشت جلد مقوائی جلد سیم مرآت البلدان چاپ ۱۲۹۶ طهران که از اولین کتابهایی است که به تقلید فرنگی روی جلد کتاب تصویر و نام کتاب چاپ شده است
- ۲۰ - صفحه عنوان مخزن الاسرار نظامی چاپ ۱۳۰۱ طهران .
- ۲۱ - تصویر داستان فریدون و آهو مأخوذ از مخزن الاسرار (همان چاپ)
- ۲۲ - تصویر گاو از کتاب خواص الحيوان چاپ سنگی ۱۳۰۵ [طهران] (ص ۳۱)
- ۲۳ - نمونه يك صفحه از دیوان میرزا اشتها و تصویرهای آن چاپ ۱۳۰۶ طهران . (ص ۳۲)
- ۲۴ - تصویر صفحه پشت جلد کتاب نهیة التعلیم (کتاب درسی) که با تفتن مخصوصی و تزئین شده است چاپ ۱۳۱۵ تهران
- ۲۵ - امیر نظام گروسی که در پندنامه یحویه او چاپ ۱۳۱۵ تهران چاپ شده است . (ص ۳۲)
- ۲۶ - تصویر معصومعلی شاه شیرازی مؤلف طرائق الحقائق کار مصورالملک که در اول کتاب مذکور چاپ تهران ۱۳۱۸ الحاق شده است (ص ۳۲)
- ۲۷ - تصویر صفحه عنوان یوسف و زلیخائی که بنام فردوسی منسوب کرده اند ، چاپ تهران ۱۳۲۰ سنگی
- ۲۸ - تصویر صفحه آخر کتاب عطار گلشن چاپ ۱۳۲۰ تهران .
- ۲۹ - تصویری از فرامرزنامه چاپ سنگی بمبئی در ۱۳۲۴ .
- ۳۰ - تصویر صفحه اول از دستورالعمل جمع و خرج ابوابجمعی

آذربایجان مربوط به سال ۱۳۲۸ قمری که در همان سال سال به چاپ رسیده است .

۳۱- تصویر صفحه عنوان رشحات تألیف صفی کاشفی چاپ سنگی
تاشکند در ۱۳۲۹

۳۲- تصویر صفحه اول همان کتاب .